



بررسی نقش عدم شفافیت اطلاعات مالی و کیفیت حسابرسی بر رابطه بین

مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام

مهدی فیل سرائی^۱ | احمد آرین تبار^۲ | فائزه بختیاری^۳

چکیده

اتخاذ سیاست‌های تهاجمی مالیاتی از جمله خط‌مشی‌هایی است که در ارزیابی عملکرد مدیران از سوی سهامداران و بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد و از طرفی همزمانی قیمت سهام حوزه نسبتاً جدیدی در تحقیقات مالی و اقتصادی است و از آنجا که رابطه‌ای قوی با رشد و توسعه اقتصادی و ثبات بازار سرمایه کشور دارد، مورد توجه می‌باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش عدم شفافیت اطلاعات مالی و کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۴ است. به منظور انتخاب نمونه آماری، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده که پس از اعمال معیارهای مربوطه، تعداد ۸۶۰ سال شرکت (۱۷۲ شرکت) به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه نخست پژوهش نشان داد که بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های فرضیه دوم نشان داد که عدم شفافیت اطلاعات مالی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد. در نهایت یافته‌های سومین فرضیه پژوهش نیز بیانگر این بود که حسابرسی با کیفیت بالا مالیات تهاجمی را محدود کرده و همزمانی قیمت سهام را کاهش می‌دهد.

کلید واژه‌ها: عدم شفافیت اطلاعات مالی؛ کیفیت حسابرسی؛ مالیات تهاجمی؛ همزمانی قیمت سهام.

۱. استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی حکیم طوس، مشهد، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مهندسی مالی و عضو هیات علمی گروه حسابداری و مدیریت، واحد مشهد، دانشگاه آزاد

اسلامی، مشهد، ایران.
Drahmadarian@mshdiau.ac.ir

۳. کارشناس ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی حکیم طوس، مشهد، ایران

مقدمه

مالیات‌ها عوامل انگیزشی در بسیاری از تصمیمات شرکت‌ها هستند. شواهد تحقیقات اخیر (بوسایدی و سیدهام^۱، ۲۰۲۰؛ هوفنگک و همکاران^۲، ۲۰۱۹؛ آرمسترانگک و همکاران^۳، ۲۰۱۵؛ چیز و وایت^۴، ۲۰۱۴) در نقاط مختلف دنیا نشان می‌دهد که اقدامات مدیریتی صورت گرفته برای کاهش مالیات شرکتی از طریق فعالیت‌های جسورانه مالیاتی در حال تبدیل شدن به یک ویژگی معمول و فزاینده در دورنمای شرکت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان است. خط‌مشی‌های جسورانه یا تهاجمی مالیاتی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که مدیریت با استفاده از اختیارات خود و ارقام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دستکاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختی می‌کند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶). از آنجا که هزینه‌های مالیاتی یکی از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت‌ها است و موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهام‌داران را کاهش می‌دهد، هزینه مالیات و مالیات قابل پرداخت همواره مورد توجه مدیران اجرایی و هیأت مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها می‌باشد. بنابراین اتخاذ سیاست‌های تهاجمی مالیاتی از جمله خط‌مشی‌هایی است که در ارزیابی عملکرد مدیران از سوی سهامداران و بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد (اوسیمک^۵، ۲۰۱۱). از سوی دیگر همزمانی قیمت سهام حوزه نسبتاً جدیدی در تحقیقات مالی و اقتصادی است و از آنجا که رابطه‌ای قوی با رشد و توسعه اقتصادی و ثبات بازار سرمایه کشور دارد، مورد توجه می‌باشد. همزمانی قیمت سهام برای قیمت‌گذاری دارایی‌ها و برای سرمایه‌گذاران و معامله‌گرانی که خرید و فروش روزانه انجام می‌دهند و از نوسانات روزانه قیمت نفع می‌برند، مفید است (دولو و امامی، ۱۳۹۴). همزمانی قیمت سهام به روند حرکت بازده سهام در یک جهت و دوره زمانی مشخص اشاره دارد. این مفهوم معیاری است برای نشان دادن میزان نسبی اطلاعات خاص شرکت که در قیمت سهام آن شرکت منعکس می‌شود. هر اندازه انعکاس این اطلاعات خاص در قیمت سهام بیشتر باشد، همزمانی قیمت کمتر است. همزمانی قیمت سهام درجه‌ای از اطلاعات بازار و صنعت است که در قیمت سهام منعکس می‌شود. یکی از عوامل مؤثر در

1. Ahmed Boussaidi & Mounira Hamed-Sidhom
2. Hua Feng et.al.
3. Armstrong et al
4. Chyz & White
5. Osemeke

تصمیم‌گیری، اطلاعات مناسب و مرتبط با موضوع تصمیم است. در صورتی که اطلاعات مورد نیاز به صورتی نامتقارن بین افراد توزیع شود، (انتقال اطلاعات به صورت نابرابر بین مردم صورت گیرد) می‌تواند نتایج متفاوتی را نسبت به موضوعی واحد سبب شود. بنابراین، قبل از این که خود اطلاعات برای فرد تصمیم‌گیرنده مهم باشد، این کیفیت توزیع اطلاعات است که باید به صورت دقیق مورد ارزیابی قرار گیرد (قائمی و وطن پرست، ۱۳۸۴). زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی در رابطه با سهام یک شرکت افزایش یابد، ارزش ذاتی آن با ارزشی که سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه برای سهام مورد نظر قائل می‌شوند متفاوت خواهد بود. در نتیجه، ارزش واقعی سهام شرکت‌ها با ارزش مورد انتظار سهامداران تفاوت خواهد داشت (دیاموند و ورچیا^۱، ۱۹۹۱). پژوهش‌های متعددی به بررسی رابطه‌ی عدم شفافیت اطلاعات مالی و اجتناب مالیاتی یا بررسی عدم شفافیت اطلاعات مالی، همزمانی و ریسک ریزش قیمت سهام پرداخته‌اند؛ اما پژوهش مشخصی در داخل که به بررسی نقش عدم شفافیت اطلاعات مالی و کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام پرداخته باشد، انجام نشده است. لذا این پژوهش، علاوه بر بررسی رابطه‌ی مذکور، به ادبیات پژوهشی در داخل کشور نیز مطالبی را اضافه می‌نماید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

همزمانی قیمت سهام

رفتار قیمت سهام از دو عامل حرکت بازار، صنعت و اطلاعات خاص شرکتی تبعیت می‌کند. حرکت بازار و صنعت که متأثر از عوامل مختلف اعم از مسائل داخلی و خارجی و سیاسی خواهد بود و اطلاعات خاص شرکت مربوط به خود شرکت بوده و شامل اطلاعاتی همچون گزارش سالیانه و سه‌ماهه شرکت‌ها به بورس اوراق بهادار، گزارش هرگونه رویداد با اهمیت و اثرگذار بر قیمت سهام و نیز سایر اطلاعات در اختیار سهامداران می‌باشد. در صورتی که تغییرات قیمت سهام هم جهت با بازار باشد، این پدیده همزمانی قیمت سهام نامیده می‌شود. اطلاعات خاص شرکت که در ارزیابی سهام استفاده می‌شود، شامل اطلاعاتی همچون گزارش سالیانه و سه‌ماهه شرکت‌ها به بورس اوراق بهادار، گزارش هرگونه رویداد با اهمیت و اثرگذار بر قیمت سهام و نیز سایر

1. Diamond, D., & Verrecchia R

اطلاعات در اختیار سهامداران می‌باشد. محققان بازار بر این باورند که در بازارهای کارا قیمت سهام نسبت به اطلاعات موجود و جدید واکنش نشان می‌دهند پژوهش‌های اخیر مانند لی و همکاران^۱ (۲۰۰۳)، پتروسکی و رولستون^۲ (۲۰۰۴)، چان و حمید^۳ (۲۰۰۶) و جین و مایرز^۴ (۲۰۰۶) به دنبال یافتن آن هستند که محیط خارجی و محیط اطلاعاتی شرکت‌ها می‌تواند بر اهمیت نسبی اطلاعات خاص شرکت در مقابل اطلاعات صنعت و بازار تأثیرگذار باشد. این پژوهش‌ها عنوان می‌کنند اگر در محیط اطلاعاتی، اطلاعات خاص بیشتری در دسترس فعالان بازار قرار گیرد، اطلاعات سطح صنعت و بازار تأثیر کمی بر نوسان بازده سهام خواهد داشت. در نتیجه همزمانی قیمت سهام این شرکت‌ها پایین خواهد بود (پتروسکی و رولستون، ۲۰۰۴).

اولین ایده در مورد همزمانی در روان‌شناسی و در سال ۱۹۲۰ ظهور کرد. این کلمه بیانگر پدیده‌ای است که در آن دو یا چند رویداد به‌طور همزمان رخ دهند و روند در حال حرکت آن رخدادها به شیوه‌های معنادار مشاهده شود. دلایل رویدادهای مختلفی که با هم رخ می‌دهد می‌تواند آشکار، علی، نامربوط و یا بر حسب شانس باشد. در ادبیات حسابداری و امور مالی همزمانی قیمت سهام را می‌توان توسط مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (CAPM) و بر اساس پژوهش‌های رول توضیح داد. مدل (CAPM) در اوایل ۱۹۶۰ و در مقالات پژوهشی ویلیام شارپ^۵ (۱۹۶۴) و جان لپنز^۶ (۱۹۶۵) مورد بحث قرار گرفت و سپس مدل سیاه و سفید (۱۹۷۶) مطرح شد. رول (۱۹۸۸) استدلال کرد که هر دو عامل صنعت، بازار و ویژگی‌های خاص شرکت بازده شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این مدل سهم اساسی در تبیین و گسترش تعریف قیمت دارایی‌ها دارد و یک معیار برای درک رابطه میان قیمت دارایی‌ها و رفتار سرمایه‌گذاران با توجه به متغیرهای توضیحی بازار، صنعت و اطلاعات خاص شرکت‌ها ارائه می‌کند. بنابراین رول (۱۹۸۸) با استفاده از مدل CAPM بررسی کرد که تا چه حد تغییرات بازده دارایی‌های یک شرکت می‌تواند اطلاعات در سطح بازار سطح صنعت و سطح خاص شرکت را توضیح دهد. رول بیان کرد که در حالی که همزمانی قیمت سهام شرکت به‌طور کلی شامل شاخص بازار و صنعت

1. Lee et al
2. Piotroski, J., & D. Roulstone
3. Chan, K. & Hameed, A
4. Jin, L., & C. S. Myers
5. William Sharp
6. John & Lebenz

است. به‌طور منطقی استفاده از همزمانی قیمت در حالتی که بازده و ویژگی‌های شرکت از طریق عوامل چندگانه تعیین شود، می‌تواند به‌عنوان یک معیار اطلاعات خاص شرکتی استفاده شود و از R^2 می‌توان به‌عنوان یک معیار اطلاعات خاص شرکتی استفاده کرد. همانطور که اغلب بیشتر عوامل خاص شرکتی در قیمت منعکس می‌شود، بتای بازار در حجم کاهش و لاندا در حجم افزایش می‌یابد. افزایش در لاندا، واریانس خطای مدل قیمت‌گذاری را افزایش می‌دهد که باعث کاهش R^2 می‌شود. نتایج تحقیقات رول (۱۹۸۸) نشان‌دهنده این بود که مدل بازار و R^2 به‌دست‌آمده تنها بین ۲۰ تا ۳۰ درصد حرکت قیمت سهام را توجیه می‌کند. بنابراین رول نتیجه‌گیری کرد که بقیه حرکت قیمت سهام را می‌توان متأثر از اطلاعات خاص سطح شرکت و یا هیجانات گاه به‌گاه سهامداران (نویز) دانست. تحقیقات رول در مورد همزمانی آن را به یک موضوع داغ در تحقیقات مالی تبدیل کرده است (شریفی، ۱۳۹۵).

مالیات تهاجمی

سیاست تهاجمی مالیاتی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که مدیریت با استفاده از اختیارات خود و اقلام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دست‌کاری سود به‌منظور کاهش مالیات پرداختی می‌کند (دسایی و دارماپالا، ۲۰۰۶). رگو (۲۰۰۳)، مالیات تهاجمی را به‌عنوان استفاده از روش‌های برنامه‌ریزی مالیاتی که به‌طور قانونی، پرداخت مالیات بر درآمد شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، تعریف کرده است. استراتژی مالیاتی تهاجمی به‌طور کلی کاهش آشکار مالیات تعریف شده است (هاتلون و هیتزمن، ۲۰۰۹). فعالیت‌های مالیاتی تهاجمی به‌طور متداول به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد، مربوط می‌شود (دسایی و دارماپالا، ۲۰۰۹). معاملات مالیات تهاجمی برای مقاصد مالیاتی و دفتری به‌طور متفاوت محاسبه شده است. مطابق با مالیات تهاجمی، در حسابداری مالی زمانی که استراتژی مالیاتی تهاجمی به کار گرفته می‌شود، درآمد کاهش می‌یابد یعنی در این تعریف تمام معاملاتی را که بر بدهی مالیاتی شرکت اثر دارند، منعکس می‌کند و بین فعالیت‌های واقعی با مطلوبیت مالیاتی، فعالیت‌های اجتنابی که به‌منظور کاهش مالیات انجام می‌شود و لابی‌هایی که برای کسب مزایای مالیاتی انجام می‌شوند، تمایز قائل نمی‌شود (هاتلون، هیتزمن، ۲۰۱۰). اجتناب

مالیاتی و فرار مالیاتی از جمله سیاست‌هایی هستند که می‌توانند مورد استفاده شرکت‌ها قرار گیرند. در حالی که محافظه‌کاری شناسایی مالیات را به تعویق می‌اندازد، اجتناب مالیاتی می‌تواند پرداخت مالیات را کلاً منتفی نماید. از این رو، محافظه‌کاری و اجتناب مالیاتی می‌توانند به ابزاری قانونی برای کاهش مالیات بر درآمد شرکت‌ها تبدیل شوند. ابزاری که می‌تواند به صورت مکمل و یا جایگزین مورد استفاده شرکت‌ها قرار گیرند. در ادبیات حسابداری، اجتناب مالیاتی از دو بعد گسترده و محدود تعریف شده است. در بعد گسترده، اجتناب مالیاتی به صورت کاهش آشکار مالیات به ازای هر ریال سود حسابداری قبل از مالیات تعریف می‌گردد. برخی اجتناب مالیاتی را به صورت انجام اقدامات قانونی به منظور کاهش بدهی مالیاتی تعریف می‌نمایند. در بعد محدوده تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی ریشه در قانونی بودن اقدامات مؤدیان دارد. اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی زیرمجموعه‌های فعالیت‌های مالیاتی تهاجمی هستند. در واقع مالیات تهاجمی به دو بخش اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی تقسیم‌بندی می‌شود. آن قسمتی که به طور قانونی مالیات را کاهش می‌دهد را اجتناب مالیاتی می‌گویند و آن قسمت که با تخطی از قانون از استراتژی مالیاتی تهاجمی استفاده می‌کند برای کاهش مالیات را، فرار مالیاتی می‌نامند (منصورفر و همکاران، ۱۳۹۶).

علاوه بر این عوامل نرخ بالای مالیات، قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی، سرمایه اجتماعی و تورم بر فرار مالیاتی تأثیر معناداری دارند. از این رو با اجرای سیاست‌های پولی و تدابیر مناسب می‌توان از فرار مالیاتی جلوگیری کرد و به برقراری عدالت اجتماعی در جامعه کمک نمود (آرین تبار و همکاران، ۱۳۹۹).

عدم شفافیت در گزارشگری مالی

عدم شفافیت اطلاعات مالی و حسابداری، همیشه به عنوان یکی از تأثیرگذارترین متغیرها جهت انتخاب خط‌مشی‌های سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی شناخته می‌شود. برخلاف این موضوع، مدیران واحدهای تجاری که مسئولیت تهیه گزارشات مالی را برعهده دارند، معمولاً انگیزه داشته تا به منظور حفظ منافع شخصی، اطلاعات مالی را تحریف نمایند. عوامل متعددی می‌تواند بر رفتار سرمایه‌گذاران تأثیرگذار باشد که یکی از این عوامل، عدم اطمینان و عدم

شفافیت اطلاعات مالی است (هسیو^۱، ۲۰۰۶). شفافیت اطلاعات به معنا افزایش جریان به هنگام و با قابلیت اتکای اطلاعاتی که در اختیار تمامی ذینفعان قرار می‌گیرد، می‌باشد (سینایی و داوودی، ۱۳۸۸). علاوه بر این، عدم شفافیت اطلاعات مالی و حسابداری به معنا جلوگیری عمدی از دستیابی به اطلاعات، ارائه ناصحیح آن‌ها یا ناتوانی بازار در به دست آوردن اطمینان در مورد مربوط بودن و کیفیت اطلاعات ارائه شده می‌باشد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۰). هاتن و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند که در شرایط نبود شفافیت کامل در گزارشگری مالی، مدیران انگیزه دارند برای حفظ شغل خود، بخشی از زبان‌ها را پنهان کنند. علاوه بر این، در یک محیط گزارشگری غیرشفاف، سرمایه‌گذاران قادر به شناسایی و کشف پروژه‌های زیانده شرکت نیستند. ناتوانی سرمایه‌گذاران در تمایز بین پروژه‌های سودده و زیانده در مراحل اولیه آن‌ها باعث می‌شود که پروژه‌های زیانده ادامه یابد و با گذر زمان زیان‌دهی آن‌ها افزایش یابد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۰).

کیفیت حسابرسی

از کیفیت حسابرسی تعریف‌های گوناگونی کرده‌اند. در ادبیات حرفه‌ای کیفیت حسابرسی در رابطه با میزان رعایت استانداردهای حسابرسی مربوطه تعریف می‌شود. در مقابل پژوهشگران حسابداری ابعادی چندگانه برای کیفیت حسابرسی قائلند و این ابعاد اغلب به تعاریفی که ظاهری متفاوت دارند منجر می‌شود. عمومی‌ترین تعریف‌ها از کیفیت حسابرسی عناصر زیر را دربر می‌گیرد:

- احتمال وجود اشتباهات عمده در صورت‌های مالی که حسابرس بتواند آن‌ها را کشف و گزارش کند.
- احتمال این که حسابرس برای صورت‌های مالی حاوی اشتباهات با اهمیت گزارش مشروط صادر نکند.
- سنجه‌ای برای توان حسابرس در کاهش اشتباهات و تحریفات جانبدارانه و بهبود کیفیت داده‌های حسابداری
- دقت اطلاعاتی که حسابرس درباره آن‌ها گزارش صادر کرده است.

1. Hsiu J. F.

تعاریف مذکور درجات متفاوتی از ابعاد شایستگی و استقلال حسابرسان در انجام حسابرسی (استقلال واقعی) و همچنین چگونگی درک استفاده کنندگان از استقلال آن‌ها را دربر می‌گیرند (علوی طبری و همکاران، ۱۳۸۸). اگر چه کیفیت درک شده حسابرسی می‌تواند با کیفیت واقعی حسابرسی مرتبط باشد اما لزوماً یکسان نیست. بنابراین، حسن شهرت و مراقبت حرفه‌ای برای حفظ ویژگی‌های واقعی کیفیت حسابرسی و کیفیت درک شده استفاده می‌شود. به علاوه، باید در نظر داشت که مراقبت حرفه‌ای حسابرس کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد در حالی که حسن شهرت حسابرس چگونگی درک ذینفعان از اطلاعات مذکور را متأثر می‌سازد (عزیزی، ۱۳۸۹).

همزمانی قیمت سهام در بازارهای در حال توسعه به دلیل موانع نسبتاً قوی آن‌ها در معاملات آگاهانه مشهود است. ادبیات مربوط به همزمانی قیمت سهام نشان می‌دهد که شفافیت بیشتر و افشای کامل‌تر اطلاعات خاص شرکت، همزمانی قیمت سهام را کاهش می‌دهد (لی و همکاران، ۲۰۰۴؛ فرناندس و فریرا، ۲۰۰۸؛ گل و همکاران، ۲۰۱۰؛ کیم و شی، ۲۰۱۲؛ هائو و همکاران، ۲۰۱۸). برنامه‌ریزی تهاجمی مالیاتی، به‌دست آوردن رانت‌های مدیریتی را از طریق عدم شفافیت اطلاعات مالی تسهیل می‌کند. از آنجا که هرگونه اطلاعات مادی در مورد معاملات مالیاتی پرنخطر تمایل دارد که در حساب‌ها و افشای اطلاعات پنهان باشد، برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی باعث می‌شود که صورت‌های مالی برای سرمایه‌گذاران و تحلیلگران شفافیت کمتری ایجاد کند، عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد داخلی و خارجی افزایش و کارایی قیمت‌گذاری سرمایه کاهش یابد (هوآفنگ و همکاران، ۲۰۱۹). برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی بهانه‌ای برای مدیران جهت دستکاری سود، احتکار اطلاعات خصوصی شرکت‌ها و پیچیده ساختن گزارشگری مالی برای سرمایه‌گذاران خارجی است. بنابراین عدم تقارن اطلاعات و عدم شفافیت اطلاعات شرکت را افزایش می‌دهد. با افشای کمتر اطلاعات خاص شرکت، قیمت سهام شرکت‌های با استراتژی مالیاتی تهاجمی (اجتناب از مالیات بیشتر) همزمان با بازار حرکت می‌کند. هاتون و همکاران (۲۰۰۹) تأثیر مستقیم افشای اطلاعات شفاف شرکت‌های بزرگ بر همزمانی قیمت سهام را بررسی کردند. آن‌ها با استفاده از مدیریت سود به‌عنوان معیار میزان عدم شفافیت اطلاعات مالی دریافتند که عدم شفافیت اطلاعات مالی با همزمانی قیمت سهام بالاتر مرتبط است که نشانگر افشای کمتر اطلاعات خاص

شرکت می‌باشد. از آنجا که استراتژی‌های پیچیده مالیاتی به مدیران اجازه می‌دهد فعالیت‌های استخراج رانت را پنهان کنند.

حسابرسی به ادعایی که توسط شخص دیگر در قالب صورت‌های مالی تهیه شده است، اعتبار می‌بخشد و بدین وسیله قابلیت اتکای اطلاعات به کار رفته در تصمیمات اقتصادی را افزایش می‌دهد (نیکخواه آزاد، ۱۳۷۹). حسابرسی، کیفیت اطلاعات مالی مورد استفاده در قیمت‌گذاری قیمت سهام و تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و پیش‌بینی و محاسبه ریسک را بهبود می‌بخشد. بدین منظور، اشخاص با استفاده از اطلاعات حسابداری در سهام شرکتی سرمایه‌گذاری می‌کنند که ساختار و میزان ریسک موجود در آن با توجه به میزان ریسک‌پذیری و همچنین بازده مورد انتظار متناسب باشد. ضمناً حساب‌برسان با اظهار نظر درباره نبود اشتباهات عمدی یا اصلاح اشتباهات غیرعمدی در صورت‌های مالی، کیفیت اطلاعات حسابداری به عنوان مبنای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را بالا می‌برند (همتی و همکاران، ۱۳۹۴). تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که حسابرسی با کیفیت بالا، برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی را محدود می‌کند (کاناگارتنام و همکاران^۱، ۲۰۱۶؛ ریچاردسون و همکاران^۲، ۲۰۱۳). حساب‌برسان برای تأمین اطمینان مناسب از مناسب بودن ارقام و افشای اطلاعات برای سرمایه‌گذار، اعتبار مالیات تعهدی قابل پرداخت و همچنین بدهی‌های احتمالی مالیاتی را در ترازنامه، هزینه‌های مالیات بر درآمد در صورت سود و زیان و اسناد یادداشت مربوط به افشای اطلاعات برای عموم سرمایه‌گذاران را ارزیابی می‌کنند (بارت^۳، ۲۰۰۴). اگرچه بسیاری از ارقام تعهدی مالیاتی، مدیریت سود را تسهیل می‌کنند، اما مدیران می‌توانند برای دستیابی به اهداف سود، از کمک هزینه ارزیابی (فرانک و همکاران، ۲۰۰۹)، اندوخته احتمالی مالیات (گوپتا و همکاران، ۲۰۱۶)، برآورد مالیات‌های تعهدی (دالیوال و همکاران، ۲۰۰۴) و تعیین سود سرمایه‌گذاری مجدد دائم استفاده کنند. از آنجا که هرگونه اطلاعات مادی در مورد معاملات مالیاتی پرخطر در این حساب‌ها و افشای اطلاعات پنهان است، حساب‌برسان همچنین باید ارزیابی کنند که آیا مشتریان آن‌ها در معاملات مالیاتی بالقوه سوء استفاده می‌کنند یا خیر. حسابرسی با کیفیت بالا این اتفاق را تضمین می‌کند، زیرا تعامل مداوم بین تیم

1. Kanagaretnam et al

2. Richardson et al

3. Barrett

حسابرسی و پرسنل مالیاتی درک حسابرسان از تصمیمات مالیاتی مشتری را بهتر کرده و در نتیجه کیفیت برآورد مالیات را بهبود می‌بخشد و همزمانی قیمت سهام کاهش خواهد یافت (چودهری و همکاران^۱، ۲۰۱۷).

هانلون و هایتمن^۲ (۲۰۱۰) برنامه ریزی مالیاتی تهاجمی را کاهش اجتناب مالیاتی تعریف می‌کنند. نظریه سنتی، مالیات را هزینه‌ای برای شرکت و سهامداران می‌داند. بنابراین، انتقال ثروت از دولت به سهامداران از طریق برنامه ریزی مالیاتی تهاجمی به عنوان یک استراتژی حداکثرسازی ارزش تلقی می‌شود^۳ (فیلیپس، ۲۰۰۳). با این حال، برنامه ریزی مالیاتی تهاجمی یک مشکل شفافیت اطلاعات را ایجاد می‌کند. بر اساس استدلال نظریه نمایندگی مالیات تهاجمی می‌تواند فرصت طلبی مدیریتی مانند دستکاری سود و انحراف منابع را تسهیل کند (دسای و دارماپالا^۴، ۲۰۰۹). بالاکریشنن و همکاران^۵ (۲۰۱۸) استدلال می‌کنند اگرچه برنامه ریزی مالیاتی پس‌انداز مالیاتی مورد انتظار را فراهم می‌کند، اما می‌تواند به‌طور همزمان پیچیدگی سازمان را افزایش دهد. تا آنجا که اگر این پیچیدگی بیش از حد، به اشخاص خارجی اطلاع داده نشود، نگرانی‌هایی از بابت شفافیت اطلاعات به‌وجود می‌آید. حرکت همزمان قیمت سهام ناشی از مالیات تهاجمی، یکی از این مشکلات شفافیت اطلاعات می‌باشد (هوآفنگ و همکاران^۶، ۲۰۱۹). بخش قابل توجهی از ادبیات تجربی، عوامل تعیین‌کننده همزمانی قیمت سهام را عمدتاً از منظر «شفافیت اطلاعات» بررسی کرده است. رول^۷ (۱۹۸۸) دریافت که بخش عمده‌ای از تغییرات بازده سهام با تغییر در عوامل کل بازار و یا با اعلام اطلاعات عمومی مربوط به ارزش قابل توضیح نیست. مورک و همکاران^۸ (۲۰۰۰) دریافتند که همزمانی قیمت سهام در بازارهای در حال توسعه به دلیل موانع نسبتاً قوی آن‌ها در معاملات آگاهانه مشهود است. بنابراین، ادبیات مربوط به همزمانی قیمت نشان می‌دهد که شفافیت بیشتر و افشای کامل‌تر اطلاعات خاص شرکت، همزمانی قیمت

1. Choudhary et al
2. Hanlon & Heitzman
3. Phillips
4. Desai and Dharmapala
5. Balakrishnan et al
6. Hua Feng
7. Roll
8. Morck et al

سهام را کاهش می‌دهد (لی و همکاران^۱، ۲۰۰۴؛ فرناندس و فریرا^۲، ۲۰۰۸؛ گول و همکاران^۳، ۲۰۱۰؛ کیم و شی^۴، ۲۰۱۲؛ هائو و همکاران^۵، ۲۰۱۸). برنامه‌ریزی تهاجمی مالیاتی، به دست آوردن رانت‌های مدیریتی را از طریق عدم شفافیت اطلاعات مالی تسهیل می‌کند. اگرچه بسیاری از اقلام تعهدی مالیاتی، مدیریت سود را تسهیل می‌کنند، اما مدیران می‌توانند برای دستیابی به اهداف سود، از کمک هزینه ارزیابی (فرانک و همکاران^۶، ۲۰۰۹)، اندوخته احتمالی مالیات (گوپتا و همکاران^۷، ۲۰۱۶)، برآورد مالیات‌های تعهدی (دالیوال و همکاران^۸، ۲۰۰۴) و تعیین سود سرمایه‌گذاری مجدد دائم استفاده کنند. از آنجا که هرگونه اطلاعات مادی در مورد معاملات مالیاتی پرخطر تمایل دارد که در این حساب‌ها و افشای اطلاعات پنهان باشد، برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی باعث می‌شود صورت‌های مالی برای سرمایه‌گذاران و تحلیلگران شفافیت کمتری ایجاد کند، عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد داخلی و خارجی افزایش و کارایی قیمت‌گذاری سرمایه کاهش یابد (هوآفنگ و همکاران، ۲۰۱۹). استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی زمانی می‌توانند به اطلاعات مالی که صورت‌های مالی منتشر شده‌اند اتکا کنند که شخصی مستقل و ذیصلاح نسبت به مقدار اعتبار این اطلاعات، نظری تخصصی و حرفه‌ای ارائه نماید. لازمه کیفیت اطلاعات این است که تا چه میزان، شرایط اقتصادی حقیقی و واقعی شرکت را نشان می‌دهند. از این‌رو حسابرسی نسبت به ادعاهایی که به وسیله شخصی دیگر در قالب صورت‌های مالی تهیه شده، اعتبار بخشیده و از این طریق قابل اتکا بودن اطلاعات استفاده شده در تصمیم‌های اقتصادی را بیشتر می‌کند (نیکخواه آزاد، ۱۳۷۹). حسابرسی، موجب افزایش کیفیت اطلاعات مالی استفاده شده در قیمت‌گذاری سهام و تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و بهبود پیش‌بینی و محاسبه ریسک می‌شود. از این جهت، افراد با استفاده از اطلاعات مالی و حسابداری، در سهام شرکتی سرمایه‌گذاری می‌نمایند که ساختار و میزان ریسک موجود در آن با توجه به میزان ریسک‌پذیری

1. Li et al
2. Fernandes & Ferreira
3. Gul et al
4. Kim and Shi
5. Hao et a
6. Frank et a
7. Gupta et al
8. Dhaliwal et al

و نیز بازده مورد انتظار متناسب باشد. در ضمن حسابرسان از طریق اظهار نظر درباره عدم اشتباهات عمدی یا اصلاح اشتباهات غیرعمدی در صورت‌های مالی، کیفیت اطلاعات حسابداری را بالا می‌برند. رول (۱۹۸۸) دریافت که اطلاعات عمومی در قیمت سهام دخیل است و نوسانات موجود در بازده سهام ناشی از تغییرات ایجاد شده در عوامل صنعت و انتشار اطلاعات خاص می‌باشد، که به صورت شفاف برای همگان افشاء نمی‌شود. به اعتقاد کیم و شی^۱ (۲۰۰۹) در چنین محیطی، کنترل‌های مدیریتی متمایل به افشای کمتر و انتخابی اطلاعات با ارزش می‌باشد، که موجب عدم افشای کامل اطلاعات به افراد برون‌سازمانی به منظور پنهان کردن رفتار منفع‌طلبانه خود می‌شود. در نتیجه، هزینه تحصیل اطلاعات اختصاصی افزایش خواهد یافت و سوددهی برای سرمایه‌گذاران در بازارهای نوظهور در مقایسه با بازارهای توسعه‌یافته کاهش می‌یابد. این موضوع ممکن است سرمایه‌گذاران آگاه را ناامید کند و اطلاعات خاص شرکت را در قیمت سهام محدود کند. سرمایه‌گذاران بدون حمایت‌های کافی ممکن است هزینه جمع‌آوری و پردازش اطلاعات جهت غلبه بر ابهامات ناشی از تمرکز مالکیت را بالا در نظر بگیرند و به دنبال آن قیمت سهام را تحت تأثیر قرار دهد. هزینه بالای دسترسی به اطلاعات در خصوص صنعت و بازار، مانع انعکاس اطلاعات مرتبط با شرکت در قیمت سهام می‌شود (مورک و همکاران، ۲۰۰۰). به این معنا که قیمت سهام شرکت‌هایی که در آن‌ها تمرکز مالکیت بالا و کیفیت حسابرسی آن‌ها پایین است، آگاه‌کننده نیست یا به بیان دیگر دارای همزمانی قیمت سهام بالایی می‌باشد (همتی و همکاران، ۱۳۹۴). با توجه به مطالب فوق، تمرکز اصلی پژوهش حاضر بر بررسی ارتباط میان مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام و نقش عدم شفافیت اطلاعات مالی و کیفیت حسابرسی در ارتباط فوق می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر به دنبال بررسی سه هدف اصلی به شرح زیر می‌باشد:

۱. بررسی رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام
۲. بررسی نقش عدم شفافیت اطلاعات مالی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام
۳. بررسی نقش کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام

پیشینه پژوهش

باقری (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «بررسی تمرکز مالکیت، سهامداری خارجی، کیفیت حسابرسی و همزمانی قیمت سهام بر اساس شواهدی از بازار بورس ایران» انجام داد. دوره زمانی این تحقیق بین سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۳ است. نتایج نشان داد همزمانی قیمت سهام یک عملکرد مقرر از مالکیت بزرگترین سهامدار است که حداکثر آن در سطح تقریبی ۵۰ درصد است. به علاوه، همزمانی زمانی بیشتر است که بزرگترین سهامدار مربوط به دولت باشد. همچنین مالکیت خارجی و کیفیت حسابرسی با همزمانی رابطه معکوس دارند و میزان اطلاعات سود منعکس شده در بازده سهام برای شرکت‌هایی با همزمانی بالا کمتر است.

ناظری (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «بررسی ویژگی‌های مدیرعامل، ابهام حسابداری و همزمانی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» انجام داد. در این تحقیق اثر ابهام حسابداری و ویژگی‌های مدیرعامل چون سن و میزان تصدی‌گری مدیرعامل بر همزمانی قیمت سهام بررسی شد. ابهام حسابرسی به کمک دو متغیر مدیریت مالیات و تهاجم مالیاتی بررسی شد. برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از رگرسیون GLS استفاده شد. بر اساس یافته‌های تحقیق مشخص گردید که متغیرهای مدیریت درآمد و تهاجم مالیاتی تأثیر قابل توجهی بر همزمانی قیمت سهام دارند. سن مدیرعامل رابطه منفی بین تهاجم مالیاتی و همزمانی قیمت سهام را تعدیل می‌کند. این در حالی است که دوره تصدی‌گری تأثیری بر همزمانی قیمت سهام ندارد.

شیخی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «بررسی ارتباط بین مالیات متهورانه و همزمانی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» انجام دادند. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که تعداد ۹۲ شرکت به صورت حذف سیستماتیک انتخاب و به عنوان نمونه آماری مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌های مورد مطالعه مربوط به سنوات ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۷ بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داد بین مالیات متهورانه و همزمانی قیمت سهام رابطه معکوس وجود دارد، همچنین روابط بین همزمانی قیمت سهام با اندازه شرکت و رشد فروش تأیید و با اهرم مالی و بازده دارایی‌های شرکت رد گردید.

دریایی (۱۳۹۸) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه بین همزمانی قیمت سهام و حق‌الزحمه حسابرسی با استفاده از مدل قیمت‌گذاری حسابرسی» انجام داد. در این پژوهش تعداد ۹۰ شرکت

در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰ در بازار بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش که با استفاده از روش داده‌های ترکیبی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته انجام شده است نشان می‌دهد، بین همزمانی قیمت سهام و حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فلاح‌زاده ابرقویی و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه افشای اطلاعات با همزمانی قیمت سهام و ریسک سقوط آن با استفاده از سیستم معادلات همزمان» انجام دادند. بازه زمانی این تحقیق بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین افشای اطلاعات با همزمانی و ریسک سقوط قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران رابطه دوطرفه وجود دارد.

محمدی (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه بین اجتناب از مالیات شرکت‌ها و شفافیت شرکتی با مالکیت نهادی مطالعه موردی: شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران» انجام داد. بازه زمانی این تحقیق بین سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ می‌باشد. یافته‌های نهایی پژوهش حاکی از وجود رابطه معنادار بین اجتناب از مالیات شرکت‌ها و شفافیت شرکتی و ابعاد آن و مالکیت نهادی می‌باشد. نتایج حاصله با کنترل متغیرهای اندازه شرکت و اهرم مالی، کماکان به قوت خود باقی ماند.

بابازاده و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و شفافیت اطلاعات مالی» با تأکید بر نقش همزمانی بازده سهام در بورس اوراق بهادار تهران انجام دادند. جامعه آماری ما شامل ۱۱۷ شرکت فعال پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که بین کیفیت اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد و از طرفی دیگر از بین شاخص‌های مورد استفاده برای حاکمیت شرکتی، استقلال هیئت مدیره دارای رابطه معنادار با شفافیت اطلاعاتی هستند. ولی مالکیت نهادی رابطه معناداری با شفافیت اطلاعات ندارد.

لاری دشت بیاض و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی «رابطه افشا حسابداری، همزمانی قیمت سهام و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین افشا حسابداری و همزمانی قیمت سهام رابطه مثبت و معناداری

وجود دارد. همچنین یافته‌ها حاکی از این است که افشا حسابداری با ریسک سقوط قیمت سهام رابطه منفی و معناداری دارد و افشا حسابداری بر رابطه بین همزمانی قیمت سهام و ریسک سقوط قیمت سهام اثر معناداری ندارد.

بوسایدی و سیدهام^۱ (۲۰۲۰) پژوهشی را با عنوان «ویژگی‌های هیئت مدیره، ماهیت مالکیت و مالیات جسورانه شرکت‌ها: شواهدی از تونس» انجام دادند. بازه زمانی این پژوهش بین سال‌های ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۷ می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حضور زنان در هیئت مدیره شرکت، دوگانگی وظایف مدیرعامل، مالکیت مدیریتی و نهادی به‌طور قابل توجهی سطح و رفتار مدیریت شرکت در شیوه‌های تهاجمی مالیاتی را منظم می‌کند و خطرات کلی شرکت را از عواقب آن از نظر ثبات موقعیت‌های مالیاتی کاهش می‌دهد.

هوافنگ و همکاران (۲۰۱۹) پژوهشی را با عنوان «برنامه‌ریزی مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام: شواهدی از چین» انجام دادند. این پژوهش داده‌های شرکت‌ها را در بازه زمانی بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین شرکت‌هایی که درگیر برنامه‌ریزی‌های مالیاتی تهاجمی هستند، عدم شفافیت اطلاعات نسبتاً بالایی از خود نشان می‌دهند و همزمانی قیمت سهام در آن‌ها بالا است. سایر نتایج نیز نشان داد که کیفیت حسابرسی، برنامه‌ریزی‌های مالیات تهاجمی را محدود کرده و همزمانی قیمت سهام را کاهش می‌دهد.

لین و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی «همزمانی قیمت سهام در بورس چین» پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که کیفیت پایین دولت با ضعف و حفاظت از مالکان دارای رابطه معناداری با عرضه پایین اطلاعات می‌باشد. دلیل این است که شرکت‌ها از افشای عملکرد واقعی خود خودداری می‌نمایند که باعث همزمانی قیمت سهام در چین می‌گردد. همچنین، نتایج نشان داد که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی فعالیت‌های خود را مخفی می‌نمایند.

1. Ahmed Boussaidi & Mounira Hamed-Sidhom

2. Lin et al

فاروق و حمدا^۱ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان همزمانی قیمت سهام و افشای اطلاعات به این نتیجه رسیدند که بازده شرکت‌هایی با همزمانی قیمت سهام بالا، بازده شرکت‌هایی با همزمانی کم را هدایت کرده و همچنین منجر به بازده بازار می‌شود.

انتوگیامفی و همکاران^۲ (۲۰۱۵) به بررسی «ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر همزمانی قیمت سهام» پرداختند. آن‌ها در این پژوهش همزمانی قیمت سهام را معیاری معکوس از شفافیت اطلاعاتی در نظر گرفته و نشان دادند که نسبت بیشتر اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره و همچنین وجود سهامداران نهادی بیشتر، شفافیت اطلاعاتی را افزایش می‌دهد به طوری که اعمال نظارت بیشتر بر عملکرد شرکت، موجب انتقال اطلاعات خاص شرکت‌ها به سرمایه‌گذاران شده و همزمانی قیمت سهام را کاهش می‌دهد.

آرمسترانگ و همکاران^۳ (۲۰۱۵) به بررسی تحقیقی با عنوان «حاکمیت شرکتی، انگیزه‌ها و اجتناب مالیاتی» پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی از رابطه مثبت بین انگیزه‌ی عدالت مدیرعامل و مدیریت مالکیتی با اجتناب از مالیات، و رابطه منفی بین استقلال هیئت مدیره و تخصص مالی اعضای هیئت مدیره با اجتناب از مالیات می‌باشد.

چیز و وایت^۴ (۲۰۱۴) رابطه بین تضاد نمایندگی و اجتناب مالیاتی را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاکی از این بود که بین محوریت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی، رابطه‌ی مثبت وجود دارد. همچنین با افزایش نظارت سهامداران نهادی رابطه بین اجتناب مالیاتی و وجود تضاد نمایندگی کاهش می‌یابد.

تیان^۵ (۲۰۱۴) تأثیر افشای داوطلبانه را بر همزمانی قیمت سهام در بازار بورس نیوزلند بررسی کرد و نتیجه گرفت افشای داوطلبانه شفافیت بازار سرمایه را بیشتر کرده و ریسک غیرسیستماتیک سهام را افزایش می‌دهد، که در نهایت، موجب کاهش همزمانی قیمت سهام می‌شود.

1. Farooq & Hamouda

2. Ntow-Gyamfi et al

3. Armstrong et al

4. Chyz & White

5. Tian

فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه ۱: بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۲: عدم شفافیت اطلاعات مالی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد.
- فرضیه ۳: حساس‌تری با کیفیت بالا مالیات تهاجمی را محدود کرده و همزمانی قیمت سهام را کاهش می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر از منظر جهت‌گیری‌های پژوهش، کاربردی بوده چراکه در تحقیقات کاربردی نتایج حاصل از پژوهش در رفع نیازها و حل مشکلات مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بنابراین هدف تحقیقات کاربردی استفاده آن‌ها در حل مسائل و مشکلات خاص در جامعه می‌باشد. از سوی دیگر با توجه به این که پژوهش حاضر از طریق آزمون‌های آماری در پی تحلیل روابط میان متغیرها بوده؛ روش تحقیق همبستگی است. یعنی بررسی وجود ارتباط و همبستگی میان متغیرها از طریق رگرسیون. همچنین این تحقیق از نوع تحقیقات پس‌رویدادی است و نیز به لحاظ نوع مطالعه، میدانی - کتابخانه‌ای می‌باشد. در این مطالعه جهت گردآوری داده‌ها و سایر ورودی‌های قابل سنجش از مطالعات پیشین بهره گرفته شده است. به بیانی دیگر، ادبیات تحقیق از مطالعات و ژورنال‌های داخلی و خارجی جمع‌آوری گردیده است. سپس، گردآوری داده‌ها با رجوع به گزارشات مالی شرکت‌ها قابل‌نمایه در سایت بورس اوراق بهادار تهران، سایت کدال و نرم‌افزار ره‌آورد نوین تهیه گردیدند. جهت تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از نرم‌افزار اکسل از نرم‌افزار آماری ایویوز استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران است. در این مطالعه جهت انتخاب نمونه آماری، از طریق حذف سیستماتیک یا حذف هدفمند استفاده می‌گردد. در این روش، نخست شرایطی برای نمونه‌گیری بیان گردیده و

شرکت‌هایی که این شرایط مربوطه را دارا نباشند از نمونه حذف می‌گردند. مشاهده‌های قابل سنجش در مطالعه پیش رو می‌بایست واجد الزامات ذیل قرار گیرند:

۱. در فاصله زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ در بورس فعالیت داشته باشند.
 ۲. سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد و تغییر سال مالی نداده باشند.
 ۳. در طول سال مالی توقف فعالیت نداشته باشند.
 ۴. جزء شرکت‌های اعتباری، بیمه‌ای، سرمایه‌گذاری، بانکی و لیزینگ نباشد.
 ۵. اطلاعات مالی آن‌ها در دسترس باشد.
- با توجه به معیارهای فوق، تعداد ۱۷۲ شرکت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

جدول ۱. نحوه انتخاب نمونه آماری

تعداد شرکت‌ها	شرح
۵۶۰	شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۳۹۸ عضو بورس بوده و فعالیت دارند.
(۵۵)	شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفند نبوده و تغییر سال مالی داده‌اند.
(۱۴۴)	شرکت‌هایی که جزء شرکت‌های اعتباری، بیمه‌ای، سرمایه‌گذاری، بانکی و لیزینگ می‌باشند.
(۱۴۲)	شرکت‌هایی که در طول سال مالی توقف فعالیت داشته‌اند.
(۴۷)	شرکت‌هایی که اطلاعات مالی آن‌ها در دسترس نمی‌باشد.
۱۷۲	تعداد کل شرکت‌های نمونه

سنجش متغیرهای تحقیق

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل گرسیونی بوسایدی و سیدهام (۲۰۲۰) به شرح زیر آزمون گردید:

$$SPS_{it} = \beta_0 + \beta_1 AT_{it} + \beta_2 FRO_{it} + \beta_3 AQ_{it} + \beta_4 AT * FRO_{it} + \beta_5 AT * AQ_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 TANG_{it} + \beta_8 CASH_{it} + e_{it} \quad (1)$$

SPS بیانگر همزمانی قیمت سهام است. AT نشان‌دهنده مالیات تهاجمی می‌باشد.

FRO بیانگر عدم شفافیت در اطلاعات مالی است. AQ بیانگر کیفیت حساسی می‌باشد.
ROA بیانگر بازده دارایی‌های شرکت است. TANG بیانگر دارایی‌های ثابت شرکت است.
CASH بیانگر وجه نقد شرکت است.

سنجش همزمانی قیمت سهام (متغیر وابسته)

همزمانی قیمت سهام، دامنه‌ای است که در آن بازده بازار و صنعت، تفاوت بازده سهام را در سطح شرکت نشان می‌دهد یا به عبارتی، قیمت سهام، نسبت زیادی از اطلاعات بازار را ترکیب کرده است و برعکس. در پژوهش حاضر جهت سنجش همزمانی قیمت سهام به پیروی از میرعسکری و همکاران (۱۳۹۷) از الگوی رگرسیون زیر استفاده می‌شود که در آن R بازده سهام شرکت "i" در طول ماه "t" متغیر وابسته و بازده شاخص بازار مربوط "m" متغیر مستقل است.

$$R_{i,t} = \alpha + \beta(R_{m,t}) + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

بر اساس الگوی رگرسیونی فوق، همزمانی قیمت سهام بر اساس رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$SPS_{i,t} = \log\left(\frac{R^2}{1 - R^2}\right) \quad (3)$$

مقادیر بیشتر در رابطه فوق، نشان‌دهنده همزمانی بیشتر و بالاتر قیمت سهام می‌باشد.

سنجش مالیات تهاجمی (متغیر مستقل)

در پژوهش حاضر به منظور سنجش مالیات تهاجمی، به پیروی از حاجیها و همکاران (۱۳۹۶) از معیار نرخ مؤثر مالیاتی استفاده خواهد شد. به عقیده دیرینگ و همکاران (۲۰۰۸) مقادیر پایین تر نرخ مؤثر مالیاتی نقدی نشان‌دهنده میزان اجتناب از پرداخت مالیات آتی بیشتر می‌باشد. این معیار از تقسیم مالیات پرداختی بر سود قبل از بهره و مالیات به دست می‌آید:

$$AT_{it} = \frac{TD}{PT} * -1 \quad (4)$$

که در آن TD بیانگر مالیات نقدی پرداختی و PT سود قبل از بهره و مالیات می‌باشد. مقادیر پایین تر در رابطه فوق، بیانگر مالیاتی تهاجمی بیشتر (اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر) می‌باشد.

سنجش عدم شفافیت در اطلاعات مالی (متغیر تعدیلگر)

در تحقیق حاضر عدم شفافیت در گزارشگری مالی متغیر تعدیلگر می‌باشد که جهت سنجش آن به پیروی از پژوهش فروغی و همکاران (۱۳۹۰) از معیار مدیریت سود (اقدام تعهدی اختیاری) استفاده خواهد شد. به منظور سنجش اقدام تعهدی اختیاری، از مدل تعدیل شده جونز استفاده می‌شود. بر اساس این مدل، اقدام تعهدی اختیاری برابر با اختلاف مجموع اقدام تعهدی و اقدام تعهدی غیراختیاری می‌باشد. از این رو، در وهله نخست برای محاسبه اقدام تعهدی غیراختیاری، رابطه زیر برآورد می‌گردد:

$$\frac{TACC_{it}}{A_{it-1}} = a_0 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + a_1 \left(\frac{\Delta Sales_{it}}{A_{it-1}} \right) + a_2 \left(\frac{\Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + a_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \delta_{it} \quad (5)$$

در رابطه فوق

$TACC_{it}$ جمع اقدام تعهدی شرکت بوده و برابر با تفاوت بین سود عملیاتی و جریان وجوه نقد عملیاتی می‌باشد.

A_{it-1} مجموع دارایی‌های سال قبل

$\Delta Sales_{it}$ تغییر در فروش شرکت بین سال جاری و سال قبل

ΔREC_{it} تغییر در حساب‌های دریافتی شرکت بین سال جاری و سال قبل

PPE_{it} جمع اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

پارامترهای a_0 ، a_1 ، a_2 و a_3 به دست آمده از برآورد رابطه فوق، به منظور محاسبه اقدام تعهدی غیراختیاری از طریق رابطه زیر مورد استفاده قرار می‌گیرند:

$$\frac{NDACC_{it}}{A_{it-1}} = a_0 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + a_1 \left(\frac{\Delta Sales_{it}}{A_{it-1}} \right) + a_2 \left(\frac{\Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + a_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \delta_{it} \quad (6)$$

در رابطه فوق

$NDACC_{it}$ اقدام تعهدی غیراختیاری می‌باشد. نهایتاً، اقدام تعهدی اختیاری با استفاده از رابطه

زیر محاسبه می‌شوند:

$$DACC_{it} = TACC_{it} - NDACC_{it}$$

در رابطه فوق $DACC_{it}$ نشان‌دهنده ارقام تعهدی اختیاری است. بعد از به دست آوردن ارقام تعهدی اختیاری، مقدار مدیریت سود به عنوان شاخص عدم شفافیت گزارشگری مالی از طریق رابطه زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$LTFR_{it} = Abs(DACC_{it-1}) + Abs(DACC_{it-2}) + Abs(DACC_{it-3}) \quad (7)$$

در رابطه فوق $LTFR_{it}$ معیار عدم شفافیت در گزارشگری مالی، Abs نماد قدر مطلق

$DACC_{it-1}$ بیانگر ارقام تعهدی اختیاری سال قبل

$DACC_{it-2}$ بیانگر ارقام تعهدی اختیاری دو سال قبل

$DACC_{it-3}$ بیانگر ارقام تعهدی اختیاری سه سال قبل

رابطه فوق این موضوع را نشان می‌دهد که شاخص عدم شفافیت در گزارشگری مالی به وسیله مجموع قدر مطلق (Abs) ارقام تعهدی اختیاری در سه سال اخیر محاسبه می‌شود. هر چقدر مقدار ارقام تعهدی اختیاری بیشتر باشد، نشان‌دهنده مدیریت سود بیشتر بوده و در نتیجه بیانگر عدم شفافیت گزارشگری مالی بالاتر است.

سنجش کیفیت حسابرسی (متغیر تعدیلگر)

در پژوهش حاضر بر اساس استدلال دی آنجلو (۱۹۸۱) از معیار اندازه موسسه حسابرسی به عنوان معیار کیفیت حسابرسی استفاده خواهد شد. بدین صورت که به پیروی از پژوهش احمدی و جمالی (۱۳۹۲) و یگانه و همکاران (۱۳۸۹) اگر شرکت از سوی سازمان حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد، نشان‌دهنده کیفیت حسابرسی بالا بوده و عدد ۱ را می‌پذیرد و در غیر این صورت عدد صفر را دریافت می‌کند (کیفیت حسابرسی پایین‌تر). معمولاً از موسسه‌های بزرگ حسابرسی به عنوان شاخصی برای کیفیت حسابرسی استفاده می‌شود. به اعتقاد دی آنجلو (۱۹۸۱) موسسه‌های حسابرسی بزرگ به دلیل حفظ موقعیت رقابتی و اعتبار حرفه‌ای، انگیزه بالاتری برای اجرای یک حسابرسی با کیفیت دارند. بنابراین با توجه به اینکه سازمان حسابرسی از

جمله بزرگترین موسسات حسابرسی داخل کشور می‌باشد، در این پژوهش به عنوان معیار کیفیت بالاتری از حسابرسی استفاده خواهد شد.

سنجش متغیرهای کنترلی

بازده دارایی‌ها (ROA): برابر با نسبت سود خالص به مجموع دارایی‌های شرکت است.
 دارایی ثابت (TANG): برابر با نسبت دارایی‌های ثابت به مجموع دارایی‌های شرکت است.
 وجه نقد (CASH): برابر با نسبت وجه نقد به مجموع دارایی‌های شرکت است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرها برای توصیف متغیرهای تحقیق ارائه می‌شود. پیش از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، جهت شناخت بهتر در رابطه با تحقیق و آشنایی بیشتر با متغیرهای آن، لازم است این داده‌ها توصیف گردند. برخی مواقع توصیف آماری داده‌ها به منظور تشخیص الگوی حاکم بر آن‌ها و مبنایی جهت تبیین رابطه‌های میان متغیرهای استفاده شده در تحقیق می‌باشد. معیارهای به دست آمده در جدول (۲) که مشتمل بر میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر برای هر کدام از متغیرهای تحقیق است، بیانگر آمار توصیفی متغیرهای تحقیق می‌باشند.

جدول ۲. آمار توصیفی

نماد متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
FRO	۰/۰۱۶	۰/۰۰۲۴	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰	۰/۹۷۵
SPS	-۵/۶۶	-۵/۸۰۸	۱/۰۹۶	-۷/۳۸	-۴/۳۹
AT	۰/۱۰۸	۰/۰۹۹	۰/۱۴۱	-۱/۱۱۵	۰/۹۱۳
AQ	۰/۱۷	۰/۰۰	۰/۳۷۳	۰	۱
ROA	۰/۱۰۷	۰/۰۸۸	۰/۱۳۹	-۰/۴۰۴	۰/۶۰۳
TANG	۰/۰۲۷	۰/۰۲۴	۰/۰۱۹	۰/۰۰۱	۰/۰۹۳
CASH	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۸۲۱

در جدول (۲) متغیر عدم شفافیت اطلاعات مالی با مقدار میانگین ۰/۰۱۶، نشان دهنده آن است که متوسط داده‌های مرتبط با متغیر عدم شفافیت اطلاعات مالی برابر عدد مذکور شده‌اند. همچنین میانه عدد فوق نشان می‌دهد که بیشتر داده‌ها زیر میزان میانگین پراکنده شده‌اند. انحراف معیار، یک شاخص پراکندگی است که می‌گوید داده‌ها به طور میانگین چقدر از مقدار میانگین فاصله دارند. به زبان ساده‌تر، انحراف معیار عددی برای نشان دادن میزان پراکندگی اعضای مجموعه‌ای از داده‌هاست. با توجه به اینکه انحراف معیار داده‌های عدم شفافیت اطلاعات مالی (۰/۰۶۹) عددی کوچک و نزدیک به صفر است، نشانه آن است که داده‌ها به میانگین نزدیک هستند و پراکندگی آن‌ها کم است. شایان ذکر است که بیشترین مقدار متغیر عدم شفافیت اطلاعات مالی ۰/۹۷۵ می‌باشد.

آمار استنباطی

قبل از برازش مدل، لازم است تا ایستایی کلیه متغیرها آزمون شود، زیرا عدم مانایی متغیرها در هر دو نوع داده (سری زمانی و پانلی)، موجب بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌گردد. علی‌رغم آنچه در رابطه با داده‌های سری زمانی معمول است، در رابطه با داده‌های پانلی نمی‌توان جهت آزمون مانایی از آزمون‌های دیکی- فولر و دیکی- فولر تعمیم یافته استفاده کرد، بلکه لازم است به صورتی مانایی جمعی متغیرها مورد آزمون واقع شود. در این تحقیق به علت وجود مقاطع (تعداد شرکت‌ها) زیاد و سری زمانی کم آزمون مادالا و ویو (۱۹۹۹) مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۳. آزمون ریشه واحد جمعی برای متغیرها

<i>AQ</i>	<i>AT</i>	<i>SPS</i>	<i>FRO</i>	
<2×10 ⁻¹⁶	<2×10 ⁻¹⁶	<2×10 ⁻¹⁶	<2×10 ⁻¹⁶	P-مقدار آزمون
	<i>CASH</i>	<i>TANG</i>	<i>ROA</i>	
	<2×10 ⁻¹⁶	<2×10 ⁻¹⁶	<2×10 ⁻¹⁶	P-مقدار آزمون

همان‌طور که ملاحظه می‌شود برای تمامی متغیرها P-مقدار از ۰/۰۵ کمتر بوده است. از این رو می‌توان ایستایی تمامی متغیرها را پذیرفت.

به منظور انتخاب بین مدل رگرسیون و پانلی ابتدا آزمون F- لیمر استفاده گردید. در صورتی که سطح معناداری آزمون مذکور بیش از ۰/۰۵ باشد مدل رگرسیون OLS و در صورتی که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد از مدل پانلی استفاده خواهد شد.

جدول ۵. نتایج آزمون F- لیمر برای مدل فرضیه‌های پژوهش

آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	P- مقدار	نتیجه (مدل مناسب)
۲/۸۷۱	۱۷۱	۶۷۹	۰/۰۰۰	مدل رگرسیون پانلی

بنابراین مدل پانلی انتخاب شد. از این رو باید پیش فرض‌های رگرسیون پانلی مورد بررسی قرار گیرد. در ابتدا به بررسی آزمون هاسمن پرداخته شده است. هدف از آزمون انتخاب بین مدل با اثرات ثابت و تصادفی خواهد بود. اگر P- مقدار آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد مدل با اثرات ثابت و در غیر این صورت مدل با اثرات تصادفی انتخاب خواهد شد.

جدول ۶. نتایج آزمون هاسمن برای مدل فرضیه‌های پژوهش

آماره F	درجه آزادی	P- مقدار	نتیجه (مدل مناسب)
۱۴۶/۹۴	۹	۰/۰۰۰	اثرات ثابت

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که P- مقدار آزمون هاسمن کمتر از ۰/۰۵ بوده است. بنابراین برازش مدل رگرسیون پانلی با اثرات ثابت ترجیح داده می‌شود. از طرفی برای بررسی خودهمبستگی سریالی از آزمون بروش گادفری استفاده نموده که اگر از ۰/۰۵ کمتر باشد می‌توان گفت در سطح ۰/۰۵ داده‌های مورد بررسی خودهمبستگی سریالی دارند.

جدول ۷. نتایج آزمون بروش گادفری برای مدل فرضیه‌های پژوهش

آماره خی دو	درجه آزادی	P- مقدار	نتیجه
۸۰۹/۱۲	۵	۰/۰۰۰	خود همبستگی سریالی وجود دارد.

همان طور که از نتایج پیداست خطاها دارای خود همبستگی سریالی هستند، زیرا P-مقدار آزمون کمتر از ۰/۰۵ بوده است. در ادامه باید پیش فرض همسانی واریانس‌ها نیز مورد بررسی قرار

گیرد. در این آزمون در صورتی که P-مقدار کمتر از ۰/۰۵ باشد فرضیه همسانی واریانس خطای مدل تأیید نمی‌شود.

جدول ۸ نتایج آزمون بروش پاگن برای مدل فرضیه‌های پژوهش

آماره BP	درجه آزادی	P-مقدار	نتیجه
۱۱/۸۳	۹	۰/۲۲۸	همسانی واریانس‌ها برقرار است

همان‌طور نتیجه نشان می‌دهد همسانی واریانس‌ها برقرار است زیرا P-مقدار آزمون بیشتر از ۰/۰۵ بوده است.

آزمون فرضیه‌ها

پس از بررسی آزمون‌های تشخیصی به این نتیجه رسیده که باید از روش تعمیم‌یافته به منظور برازش مدل استفاده گردد. نتایج این رگرسیون در جدول زیر آمده است:

جدول ۹. نتایج مدل فرضیه‌های پژوهش

متغیرها	VIF	ضریب	انحراف استاندارد خطا	آماره t	P-مقدار	نتیجه
عرض از مبدا	-	-۵/۴۸	۰/۱۲۸	-۴۲/۷۳	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
AT	۲/۹۶	۰/۶۱۵	۰/۲۷۷	۲/۲۲۲	۰/۰۲۷	معناداری در مدل
FRQ	۲/۶۵	۲/۳۲	۰/۶۷۴	۳/۴۴	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
AQ	۲/۱۳	-۰/۱۹۱	۰/۰۱۲۹	-۱۴/۸۲	۰/۰۰۰۰	معناداری در مدل
AT * FRQ	۲/۱۱	۱۰/۲۲	۱/۰۴	۹/۸۲	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
AT * AQ	۲/۴۶	-۰/۰۰۷۴	۰/۰۶۹۷	-۱۰/۵۸	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
ROA	۱/۱۸	۱/۱۶	۰/۳۱۳	۳/۷۰	۰/۰۰۰	معناداری در مدل
TANG	۱/۱۸	-۵/۴۷	۲/۲۰	-۲/۴۸	۰/۰۱۳	معناداری در مدل
CASH	۱/۱۵	۷/۱۲	۴/۴۳	۱/۶۱	۰/۱۰۸	عدم معناداری در مدل
ضریب تعیین		۰/۴۳۲		آزمون معناداری مدل		
آزمون دوربین واتسون						
آماره آزمون		۲/۱۸		آماره F		
P-مقدار		۰/۴۹۳		۴۴/۳۷		

بر مبنای شاخص VIF، بین متغیرهای مستقل هم خطی وجود ندارد؛ زیرا ماکسیمم این شاخص در بین متغیرها کمتر از ۵ بوده است. از طرفی در مدل برازش داده شده، خودهمبستگی خطا وجود ندارد زیرا آزمون دوربین واتسون معنادار نبوده است. از این رو می توان مدل برازش شده را معتبر دانست و آزمون F و شاخص های اعتبار آن از جمله ضریب تعیین را مورد بررسی قرار داد. آزمون F نشان می دهد که متغیرهای مستقل مدل قابلیت پیش بینی متغیر وابسته را داشته اند، زیرا P-مقدار این آزمون کمتر از ۰/۰۵ بوده است. همچنین ضریب تعیین نشان می دهد که ۴۳/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می شود.

در بررسی فرضیه اول، برای متغیر مستقل AT، آماره t (۲/۲۲۲) نشان می دهد که این متغیر در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می باشد؛ زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P-مقدار (۰/۰۲۷) نیز کمتر از ۵ درصد می باشد. از طرفی ضریب این متغیر در مدل مثبت است. بنابراین بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

به منظور بررسی فرضیه دوم، برای متغیر مستقل $AT * FRO$ ، آماره t (۹/۸۲) نشان می دهد که این متغیر در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می باشد؛ زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P-مقدار (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد می باشد. بنابراین عدم شفافیت اطلاعات مالی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد.

در بررسی فرضیه سوم، برای متغیر مستقل $AT * AQ$ ، آماره t (-۱۰/۵۸) نشان می دهد که این متغیر در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار می باشد؛ زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P-مقدار (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد می باشد. بنابراین حسابرسی با کیفیت بالا مالیات تهاجمی را محدود کرده و همزمانی قیمت سهام را کاهش می دهد. بررسی سایر متغیرهای تحقیق نیز نشان داد که:

برای متغیر کنترلی *FRQ*، آماره $t(3/44)$ نشان می‌دهد که این متغیر در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری است؛ زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد.

برای متغیر کنترلی *AQ*، آماره $t(-14/82)$ نشان می‌دهد که این متغیر در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار است؛ زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد.

برای متغیر کنترلی *ROA*، آماره $t(3/70)$ نشان می‌دهد که این متغیر در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار است؛ زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره کمتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۰۰) نیز بیشتر از ۵ درصد می‌باشد.

برای متغیر کنترلی *TANG*، آماره $t(-2/48)$ نشان می‌دهد که این متغیر در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار است؛ زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره بیشتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۰۱۳) نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد.

برای متغیر کنترلی *CASH*، آماره $t(1/61)$ نشان می‌دهد که این متغیر در سطح ۹۵٪ اطمینان، از لحاظ آماری معنادار نیست؛ زیرا اولاً مقادیر قدر مطلق این آماره کمتر از ۱/۹۶ بوده ثانیاً P -مقدار (۰/۱۰۸) نیز بیشتر از ۵ درصد می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه نخست پژوهش در جدول (۹) نشان داد که سطح معناداری متغیر مالیات تهاجمی کمتر از ۵ درصد یا ۰/۰۵ است. بنابراین بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام رابطه معناداری وجود دارد. از طرفی با توجه به اینکه علامت ضریب متغیر مالیات تهاجمی در مدل این فرضیه مثبت است، رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام مثبت یا مستقیم بوده و نخستین فرضیه پژوهش حاضر پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر، هر چقدر در یک شرکت فعالیت‌های تهاجمی مالیات بیشتر صورت گیرد، قیمت سهام آن شرکت با همزمانی بیشتری مواجه خواهد بود. کیم و همکاران (۲۰۱۱) استدلال می‌کنند که رفتارهای متفاوت معاملات برنامه‌ریزی مالیاتی، همراه با پیچیدگی و مبهم بودن این معاملات، به مدیران اجازه می‌دهد تا اخبار خصوصی شرکت‌ها را به بهانه به حداقل رساندن تعهدات مالیاتی شرکت‌ها، از سرمایه‌گذاران خارجی پنهان کنند. بالاگریشان و همکاران (۲۰۱۸) استدلال می‌کنند اگرچه برنامه‌ریزی مالیاتی پس‌انداز

مالیاتی مورد انتظار را فراهم می‌کند، اما می‌تواند به‌طور همزمان پیچیدگی سازمان را افزایش دهد. پیچیدگی سازمانی می‌تواند مانع تلاش سرمایه‌گذاران برای درک عملکرد شرکت شود و اگر این پیچیدگی به اندازه کافی به اشخاص خارجی از جمله سرمایه‌گذاران سهام، بستانکاران و تحلیلگران منتقل نشود، می‌تواند مشکلات شفافیت را به‌وجود آورد. فرصت‌های زیادی برای برنامه‌ریزی مالیاتی وجود دارد که نیاز به تقسیم ساختارهای قانونی در فعالیت‌های تجاری جداگانه دارد. جریانات غیرمستقیم و تفکیک فعالیت‌های تجاری، تفسیر منبع و ماندگاری درآمد و جریان‌های نقدی شرکت را برای خارج از سازمان دشوارتر می‌کند و از این رو شفافیت محیط مالی و عملیاتی شرکت را کاهش می‌دهد، بنابراین همزمانی قیمت سهام افزایش می‌یابد. نتایج حاصل از این فرضیه مطابق با یافته‌های هوافنگ و همکاران (۲۰۱۹) بوده اما با یافته‌های شیخی و همکاران (۱۳۹۹) مطابقت ندارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش در جدول (۹) نشان داد که سطح معناداری متغیر تعدیل‌گر عدم شفافیت اطلاعات مالی (AT*FRQ) کمتر از ۵ درصد یا ۰/۰۵ است. بنابراین عدم شفافیت اطلاعات مالی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام تأثیر معناداری دارد. از طرفی با توجه به اینکه علامت ضریب متغیر تعدیل‌گر عدم شفافیت اطلاعات مالی در مدل این فرضیه مثبت است، تأثیر عدم شفافیت اطلاعات مالی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام مثبت یا مستقیم بوده و دومین فرضیه پژوهش حاضر پذیرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر، هر چقدر در یک شرکت عدم شفافیت اطلاعات مالی بیشتر شود، ارتباط مستقیم بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام آن شرکت قوی‌تر خواهد شد. برنامه‌ریزی تهاجمی مالیاتی، به‌دست آوردن رانت‌های مدیریتی را از طریق عدم شفافیت اطلاعات مالی تسهیل می‌کند. از آنجا که هرگونه اطلاعات مادی در مورد معاملات مالیاتی پرخطر تمایل دارد که در حساب‌ها و افشای اطلاعات پنهان باشد، برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی باعث می‌شود که صورت‌های مالی برای سرمایه‌گذاران و تحلیلگران شفافیت کمتری ایجاد کند و عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد داخلی و خارجی افزایش یابد (هوافنگ و همکاران، ۲۰۱۹). برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی بهانه‌ای برای مدیران جهت دستکاری سود، احتکار اطلاعات خصوصی شرکت‌ها و پیچیده ساختن گزارشگری مالی برای سرمایه‌گذاران خارجی است. بنابراین عدم تقارن اطلاعات و عدم شفافیت اطلاعات شرکت را

افزایش می‌دهد. با افشای کمتر اطلاعات خاص شرکت، قیمت سهام شرکت‌های با استراتژی مالیاتی تهاجمی (اجتناب از مالیات بیشتر) همزمان با بازار حرکت می‌کند. هاتون و همکاران (۲۰۰۹) تأثیر مستقیم افشای اطلاعات شفاف شرکت‌های بزرگ بر همزمانی قیمت سهام را بررسی کردند. آن‌ها با استفاده از مدیریت سود به عنوان معیار میزان عدم شفافیت اطلاعات مالی دریافتند که عدم شفافیت اطلاعات مالی با همزمانی قیمت سهام بالاتر مرتبط است که نشانگر افشای کمتر اطلاعات خاص شرکت می‌باشد. از آنجا که استراتژی‌های پیچیده مالیاتی به مدیران اجازه می‌دهد فعالیت‌های استخراج رانت را پنهان کنند، عدم شفافیت اطلاعات مالی در ارتباط میان مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام، نقشی میانجی را ایفا می‌کند. نتایج حاصل از این فرضیه مطابق با یافته‌های هوافنگ و همکاران (۲۰۱۹) تیان (۲۰۱۴) فروغی و قاسم زاد (۱۳۹۴) بوده، اما با یافته‌های لاری دشت بیاض و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت ندارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم پژوهش در جدول (۹) نشان داد که سطح معناداری متغیر تعدیلگر حسابرسی با کیفیت بالا (AT*AQ) کمتر از ۵ درصد یا ۰/۰۵ است. بنابراین حسابرسی با کیفیت بالا بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام تأثیر معناداری دارد. از طرفی با توجه به اینکه علامت ضریب متغیر تعدیلگر حسابرسی با کیفیت بالا در مدل این فرضیه منفی است، تأثیر حسابرسی با کیفیت بالا بر رابطه بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام منفی یا معکوس بوده و سومین فرضیه پژوهش حاضر نیز پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر، هر چقدر کیفیت حسابرسی و رسیدگی به صورت‌های مالی در یک شرکت بیشتر شود، ارتباط مستقیم بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام آن شرکت ضعیف‌تر خواهد شد. حسابرسان برای تأمین اطمینان مناسب از مناسب بودن ارقام و افشای اطلاعات برای سرمایه‌گذار، اعتبار مالیات تعهدی قابل پرداخت و همچنین بدهی‌های احتمالی مالیاتی را در ترازنامه، هزینه‌های مالیات بر درآمد در صورت سود و زیان و اسناد یادداشت مربوط به افشای اطلاعات برای عموم سرمایه‌گذاران را ارزیابی می‌کنند (بارت، ۲۰۰۴). اگرچه بسیاری از ارقام تعهدی مالیاتی، مدیریت سود را تسهیل می‌کنند، اما مدیران می‌توانند برای دستیابی به اهداف سود، از کمک هزینه ارزیابی (فرانک و همکاران، ۲۰۰۹)، اندوخته احتمالی مالیات (گوپتا و همکاران، ۲۰۱۶)، برآورد مالیات‌های تعهدی (دالیوال و همکاران، ۲۰۰۴) و تعیین سود سرمایه‌گذاری مجدد استفاده کنند. از آنجا که هرگونه

اطلاعات مادی در مورد معاملات مالیاتی پرخطر در این حساب ها و افشای اطلاعات پنهان است، حسابرسان همچنین باید ارزیابی کنند که آیا مشتریان آنها در معاملات مالیاتی بالقوه سوء استفاده می کنند یا خیر. حسابرسی با کیفیت بالا این اتفاق را تضمین می کند، زیرا تعامل مداوم بین تیم حسابرسی و پرسنل مالیاتی درک حسابرسان از تصمیمات مالیاتی مشتری را بهتر کرده و در نتیجه کیفیت برآورد مالیات را بهبود می بخشد و همزمانی قیمت سهام کاهش خواهد یافت. نتایج حاصل از این فرضیه مطابق با یافته های هوافنگ و همکاران (۲۰۱۹) و باقری (۱۳۹۹) می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

اشخاص با استفاده از اطلاعات حسابداری در سهام شرکتی سرمایه گذاری می کنند که ساختار و میزان ریسک موجود در آن با توجه به میزان ریسک پذیری و همچنین بازده مورد انتظار متناسب باشد. ضمناً حسابرسان با اظهار نظر درباره نبود اشتباهات عمدی یا اصلاح اشتباهات غیرعمدی در صورت های مالی، کیفیت اطلاعات حسابداری به عنوان مبنای تصمیم گیری سرمایه گذاران را بالا می برند. اطلاعات عمومی در قیمت سهام دخیل است و نوسانات موجود در بازده سهام ناشی از تغییرات ایجاد شده در عوامل صنعت و انتشار اطلاعات خاص می باشد، که به صورت شفاف برای همگان افشاء نمی شود. در چنین محیطی، کنترل های مدیریتی متمایل به افشای کمتر و انتخابی اطلاعات با ارزش می باشد، که موجب عدم افشای کامل اطلاعات به افراد برون سازمانی به منظور پنهان کردن رفتار منفعت طلبانه خود می شود. در نتیجه، هزینه تحصیل اطلاعات اختصاصی افزایش خواهد یافت و سوددهی برای سرمایه گذاران در بازارهای نوظهور در مقایسه با بازارهای توسعه یافته کاهش می یابد. این موضوع ممکن است سرمایه گذاران آگاه را ناامید کند و اطلاعات خاص شرکت را در قیمت سهام محدود کند. سرمایه گذاران بدون حمایت های کافی ممکن است هزینه جمع آوری و پردازش اطلاعات جهت غلبه بر ابهامات ناشی از تمرکز مالکیت را بالا در نظر بگیرند و به دنبال آن قیمت سهام را تحت تأثیر قرار دهد. هزینه بالای دسترسی به اطلاعات در خصوص صنعت و بازار، مانع انعکاس اطلاعات مرتبط با شرکت در قیمت سهام می شود. به این معنا که قیمت سهام شرکت هایی که در آنها تمرکز مالکیت بالا و کیفیت حسابرسی آنها پایین است، آگاه کننده نیست یا به بیان دیگر دارای همزمانی قیمت سهام بالایی می باشد. با توجه به

مطالب فوق، تمرکز اصلی پژوهش حاضر بر بررسی ارتباط میان مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام و نقش عدم شفافیت اطلاعات مالی و کیفیت حسابرسی در ارتباط فوق می‌باشد.

مطابق با نتایج فرضیه نخست پژوهش، به سازمان‌ها و نهادهای قانون‌گذار پیشنهاد می‌شود تا به منظور جلوگیری از فعالیت‌های تهاجمی مالیات، سازوکارهایی را ایجاد کنند که مانع از اقدام شرکت‌ها به این نوع فعالیت‌ها گردد. هر چقدر در یک شرکت فعالیت‌های تهاجمی مالیات بیشتر صورت گیرد، قیمت سهام آن شرکت با همزمانی بیشتری مواجه خواهد بود. کیم و همکاران (۲۰۱۱) استدلال می‌کنند که رفتارهای متفاوت معاملات برنامه‌ریزی مالیاتی، همراه با پیچیدگی و مبهم بودن این معاملات، به مدیران اجازه می‌دهد تا اخبار خصوصی شرکت‌ها را به بهانه به حداقل رساندن تعهدات مالیاتی شرکت‌ها، از سرمایه‌گذاران خارجی پنهان کنند. بالاکریشن و همکاران (۲۰۱۸) استدلال می‌کنند اگرچه برنامه‌ریزی مالیاتی پس‌انداز مالیاتی مورد انتظار را فراهم می‌کند، اما می‌تواند به‌طور همزمان پیچیدگی سازمان را افزایش دهد. پیچیدگی سازمانی می‌تواند مانع تلاش سرمایه‌گذاران برای درک عملکرد شرکت شود و اگر این پیچیدگی به اندازه کافی به اشخاص خارجی از جمله سرمایه‌گذاران سهام، بستانکاران و تحلیلگران منتقل نشود، می‌تواند مشکلات شفافیت را به‌وجود آورد. فرصت‌های زیادی برای برنامه‌ریزی مالیاتی وجود دارد که نیاز به تقسیم ساختارهای قانونی در فعالیت‌های تجاری جداگانه دارد. جریانات غیرمستقیم و تفکیک فعالیت‌های تجاری، تفسیر منبع و ماندگاری در آمد و جریان‌های نقدی شرکت را برای خارج از سازمان دشوارتر می‌کند و از این‌رو شفافیت محیط مالی و عملیاتی شرکت را کاهش می‌دهد، بنابراین همزمانی قیمت سهام افزایش می‌یابد. نتایج حاصل از این فرضیه مطابق با یافته‌های هوافنگ و همکاران (۲۰۱۹) بوده اما با یافته‌های شیخی و همکاران (۱۳۹۹) مطابقت ندارد.

مطابق با نتایج فرضیه دوم پژوهش، پیشنهاد می‌شود تا سرمایه‌گذاران در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که افشای اطلاعات در آن‌ها به‌خوبی صورت می‌گیرد و از شفافیت کافی برخوردار است؛ چرا که با توجه به نتایج این پژوهش، عدم شفافیت اطلاعات مالی موجب افزایش مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام می‌گردد. هر چقدر در یک شرکت عدم شفافیت اطلاعات مالی بیشتر شود، ارتباط مستقیم بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام آن شرکت قوی‌تر خواهد شد. برنامه‌ریزی تهاجمی مالیاتی، به‌دست آوردن رانت‌های مدیریتی را از طریق عدم

شفافیت اطلاعات مالی تسهیل می‌کند. از آنجا که هرگونه اطلاعات مادی در مورد معاملات مالیاتی پرخطر تمایل دارد که در حساب‌ها و افشای اطلاعات پنهان باشد، برنامه ریزی مالیاتی تهاجمی باعث می‌شود که صورت‌های مالی برای سرمایه‌گذاران و تحلیلگران شفافیت کمتری ایجاد کند و عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد داخلی و خارجی افزایش یابد (هوآفنگ و همکاران، ۲۰۱۹). برنامه ریزی مالیاتی تهاجمی بهانه‌ای برای مدیران جهت دستکاری سود، احتکار اطلاعات خصوصی شرکت‌ها و پیچیده ساختن گزارشگری مالی برای سرمایه‌گذاران خارجی است. بنابراین عدم تقارن اطلاعات و عدم شفافیت اطلاعات شرکت را افزایش می‌دهد. با افشای کمتر اطلاعات خاص شرکت، قیمت سهام شرکت‌های با استراتژی مالیاتی تهاجمی (اجتناب از مالیات بیشتر) همزمان با بازار حرکت می‌کند. هاتون و همکاران (۲۰۰۹) تأثیر مستقیم افشای اطلاعات شفاف شرکت‌های بزرگ بر همزمانی قیمت سهام را بررسی کردند. آن‌ها با استفاده از مدیریت سود به عنوان معیار میزان عدم شفافیت اطلاعات مالی دریافتند که عدم شفافیت اطلاعات مالی با همزمانی قیمت سهام بالاتر مرتبط است که نشان‌گر افشای کمتر اطلاعات خاص شرکت می‌باشد. از آنجا که استراتژی‌های پیچیده مالیاتی به مدیران اجازه می‌دهد فعالیت‌های استخراج رانت را پنهان کنند، عدم شفافیت اطلاعات مالی در ارتباط میان مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام، نقشی میانجی را ایفا می‌کند. نتایج حاصل از این فرضیه مطابق با یافته‌های هوآفنگ و همکاران (۲۰۱۹)، تیان (۲۰۱۴) و فروغی و قاسم زاده (۱۳۹۴) بوده اما با یافته‌های لاری دشت بیاض و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت ندارد.

مطابق با نتایج فرضیه سوم پژوهش، با توجه به یافته‌های به دست آمده در مورد اثر حسابرسی با کیفیت بالا پیشنهاد می‌شود تا سرمایه‌گذاران قبل از سرمایه‌گذاری به نوع حسابرسی دعوت شده از نظر درجه کیفی توجه بیشتری داشته باشند، تا سرمایه‌گذاری را با بیشترین بازده و کمترین ریسک انجام دهند. هر چقدر کیفیت حسابرسی و رسیدگی به صورت‌های مالی در یک شرکت بیشتر شود، ارتباط مستقیم بین مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام آن شرکت ضعیف‌تر خواهد شد. حسابرسان برای تأمین اطمینان مناسب از مناسب بودن ارقام و افشای اطلاعات برای سرمایه‌گذار، اعتبار مالیات تعهدی قابل پرداخت و همچنین بدهی‌های احتمالی مالیاتی را در ترازنامه، هزینه‌های مالیات بر درآمد در صورت سود و زیان و اسناد یادداشت مربوط به افشای اطلاعات برای عموم

سرمایه‌گذاران را ارزیابی می‌کنند (بارت، ۲۰۰۴). اگرچه بسیاری از اقلام تعهدی مالیاتی، مدیریت سود را تسهیل می‌کنند، اما مدیران می‌توانند برای دستیابی به اهداف سود، از کمک هزینه ارزیابی (فرانک و همکاران، ۲۰۰۹)، اندوخته احتمالی مالیات (گوپتا و همکاران، ۲۰۱۶)، برآورد مالیات‌های تعهدی (دالیوال و همکاران، ۲۰۰۴) و تعیین سود سرمایه‌گذاری مجدد استفاده کنند. از آنجا که هرگونه اطلاعات مادی در مورد معاملات مالیاتی پرخطر در این حساب‌ها و افشای اطلاعات پنهان است، حساب‌رسان همچنین باید ارزیابی کنند که آیا مشتریان آن‌ها در معاملات مالیاتی بالقوه سوء استفاده می‌کنند یا خیر. حسابرسی با کیفیت بالا این اتفاق را تضمین می‌کند، زیرا تعامل مداوم بین تیم حسابرسی و پرسنل مالیاتی درک حساب‌رسان از تصمیمات مالیاتی مشتری را بهتر کرده و در نتیجه کیفیت برآورد مالیات را بهبود می‌بخشد و همزمانی قیمت سهام کاهش خواهد یافت. نتایج حاصل از این فرضیه مطابق با یافته‌های هوافنگ و همکاران (۲۰۱۹) و باقری (۱۳۹۹) می‌باشد.

پیشنهادات کاربردی پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

۱. مطابق با نتایج فرضیه نخست پژوهش، به سازمان‌ها و نهادهای قانون‌گذار پیشنهاد می‌شود تا به منظور جلوگیری از فعالیت‌های تهاجمی مالیات، سازوکارهایی را ایجاد کنند که مانع از اقدام شرکت‌ها به این نوع فعالیت‌ها گردد.
۲. مطابق با نتایج فرضیه دوم پژوهش، پیشنهاد می‌شود تا سرمایه‌گذاران در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که افشای اطلاعات در آن‌ها به خوبی صورت می‌گیرد و از شفافیت کافی برخوردار است؛ چراکه با توجه به نتایج این پژوهش، عدم شفافیت اطلاعات مالی موجب افزایش مالیات تهاجمی و همزمانی قیمت سهام می‌گردد.
۳. مطابق با نتایج فرضیه سوم پژوهش، با توجه به یافته‌های به دست آمده در مورد اثر حسابرسی با کیفیت بالا پیشنهاد می‌شود تا سرمایه‌گذاران قبل از سرمایه‌گذاری به

نوع حسابرسی دعوت شده از نظر درجه کیفی توجه بیشتری داشته باشند، تا سرمایه‌گذاری را با بیشترین بازده و کمترین ریسک انجام دهند.

- جهت انجام پژوهش‌های آتی مرتبط با موضوع این پژوهش، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:
- الف) بررسی تأثیر سطح تحصیلات مدیرعامل بر مالیات تهاجمی شرکت.
 - ب) بررسی نقش تنوع جنسیتی هیئت مدیره در کاهش فعالیت‌های متهورانه مالیاتی.
 - ج) انجام پژوهش حاضر به تفکیک در صنایع مختلف و مقایسه نتایج صنایع با یکدیگر.



فهرست منابع

- آرین تبار، احمد؛ سعیدی، پرویز؛ فیلسرایی، مهدی (۱۴۰۰). بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی بر عدالت اجتماعی، همایش ملی رویکردهای نوین حسابداری و امور مالی، علی آباد گرگان، خرداد ماه.
- بابازاده، سعیده؛ سلمانی، چنگیز؛ جلیلی، صابر (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و شفافیت اطلاعات مالی با تاکید بر نقش همزمانی بازده سهام در بورس اوراق بهادار تهران، چهارمین همایش ملی علوم و فناوری‌های نوین ایران، تهران. تیر ماه.
- باقری، میلاد (۱۳۹۹). بررسی تمرکز مالکیت، سهامداری خارجی، کیفیت حسابرسی و همزمانی قیمت سهام بر اساس شواهدی از بازار بورس ایران، ششمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد سالم در بانک، بورس و بیمه، تهران. شهریور ماه.
- حاجیها، زهره؛ قنوتی، الهام؛ بحرینی، مریم (۱۳۹۶). بررسی ارتباط محدودیت مالی و راهبرد مالیاتی متهورانه. مالیات، ۳۵، ۱۲۶-۱۰۷.
- دریایی، شبنم (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین همزمانی قیمت سهام و حق الزحمه حسابرسی با استفاده از مدل قیمت‌گذاری حسابرسی، سومین کنفرانس بین‌المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران. خرداد ماه.
- دولو، مریم؛ امامی، علی (۱۳۹۴). «بررسی رابطه همزمانی قیمت سهام و نقدشوندگی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران». فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۸، ۳-۲۲.
- رزاق خواه، مهسا؛ دارابی، رویا (۱۳۹۶). «مروری بر مبانی نظری ارزش سهام و همزمانی قیمت سهام». دومین کنفرانس بین‌المللی انسجام مدیریت و اقتصاد در توسعه، تهران، مرداد ماه.
- رزمی، حمید؛ نامور فرد، عاطفه (۱۳۹۴). بررسی تأثیر شفافیت اطلاعات و محتوای اطلاعاتی قیمت سهام بر همزمانی بازده سهام در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی. تهران، مرداد ماه.
- فروغی، داریوش؛ امیری، هادی؛ میرزایی، منوچهر (۱۳۹۰). تأثیر شفاف نبودن اطلاعات مالی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳، ۳-۴۰. ۱۵.
- فروغی، داریوش؛ قاسم زاد، پیمان (۱۳۹۴). «تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر همزمانی قیمت سهام». پژوهش‌های حسابداری مالی، ۸، ۳۹-۵۴.
- فلاح زاده ابرقویی، احمد؛ تفتیان، اکرم؛ حیرانی، فروغ (۱۳۹۸). بررسی رابطه افشای اطلاعات با همزمانی قیمت سهام و ریسک سقوط آن با استفاده از سیستم معادلات همزمان. دانش حسابداری، ۱۰، ۳۶-۵۸.

قائمى، محمدحسین؛ وطن پرست، محمدرضا (۱۳۸۴). «بررسی نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران». *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۱۲، ۸۵-۱۰۳.

لاری دشت بیاض، محمود؛ ابراهیمی، مجتبی؛ بالیده، فهیمه (۱۳۹۶). «بررسی رابطه افشا حسابداری، همزمانی قیمت سهام و ریسک سقوط سهام در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *پژوهش های حسابداری و مدیریت*، ۲۱، ۳۶-۴۹.

محمدی، گلاره (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین اجتناب از مالیات شرکتها و شفافیت شرکتی با مالکیت نهادی مطالعه موردی: شرکت های بورس اوراق بهادار تهران، *ششمین کنفرانس بین المللی تکنیک های مدیریت و حسابداری*، تهران. دی ماه.

میرعسکری، رضا؛ محفوظی، غلامرضا؛ شعبانی نژاد ماسوله، متین (۱۳۹۷). بررسی رابطه همزمانی قیمت سهام و توزیع بازده. ۶، ۶۶-۵۱.

ناظری، کیمیا (۱۳۹۹). بررسی ویژگی های مدیرعامل، ابهام حسابداری و همزمانی قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت امور مالی، تجارت، بانک، اقتصاد و حسابداری*. تهران، آذر ماه.

همتی، هدی؛ سیرانی، محمد؛ محمدی، قانع (۱۳۹۴). اثر کیفیت حسابداری و ساختار مالکیت بر همزمانی قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۱۵، ۲۱۱-۱۹۳.

- Ahmed Boussaidi & Mounira Hamed-Sidhom (2020). Board's characteristics, ownership's nature and corporate tax aggressiveness: new evidence from the Tunisian context. *EuroMed Journal of Business*, DOI 10.1108/EMJB-04-2020-0030.
- Armstrong, C. S., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance, *Journal of Accounting and Economics*; 60(1), 1-17.
- Balakrishnan, K., Blouin, J. and Guay, W. (2018), "Tax aggressiveness and corporate transparency", *The Accounting Review*, 94 (1), 45-69.
- Barrett, M.J. (2004), "Tax services' as a Trojan horse in the auditor independence provisions of Sarbanes-Oxley", *Michigan State Law Review*, 463 (3), 464-504.
- Brockman, P. and Yan, X. (2009), "Block ownership and firm-specific information", *Journal of Banking and Finance*. 33 (2), 308-316.
- Cai, H. and Liu, Q. (2009), "Competition and corporate tax avoidance: evidence from Chinese industrial firms", *The Economic Journal*, 119 (7), 764-795.
- Cheng, C. S., Johnston, J. A. & Zhou, L. (2012). Earnings Quality and Price Synchronicity: Industry-Wide and Firm-Specific Information. Available at <http://ssrn.com/abstract=2280899>.
- Choudhary, P., Koester, A. and Pawlewicz, R.J. (2017), "Auditor-provided tax services and income tax estimation error", working paper, University of Arizona, Tucson, available at: <https://ssrn.com/abstract=2320479>.
- Chyz, J.A., White, S.D. (2014). The association between agency conflict and tax avoidance: A direct approach. In *Advances in Taxation*, 21(3), 107-138.

- De Angelo, L. E. (1981) "Auditor Size and Audit Quality". **Journal of accounting and finance and economics**, 3(3), 183-199.
- Desai, M. and Dharmapala, D. (2006), "Corporate tax avoidance and high-powered incentives", **Journal of Financial Economics**, 79 (1). 145-179.
- Desai, M.A. and Dharmapala, D. (2009), "Corporate tax avoidance and firm value", **Review of Economics & Statistics**, 91(3), 537-546.
- Dhaliwal, D., Gleason, C. and Mills, L. (2004), "Last-chance earnings management: using the tax expense to meet analysts' forecasts", **Contemporary Accounting Research**, 21(2). 431-459.
- Diamond, D., & Verrecchia R. (1991). Disclosure, liquidity and the cost of equity capital. **The journal of finance**, September, 25(2). 1335-1360.
- Farooq, O and Hamouda, M. (2016). "Stock price synchronicity and information disclosure: Evidence from an emerging market", **Finance Research Letters**.
- Fernandes, N. and Ferreira, M.A. (2008), "Insider trading laws and stock price informativeness", **Review of Financial Studies**, 22(5). 1845-1887.
- Ferreira, M. and Laux, P. (2007), "Corporate governance, idiosyncratic risk, and information flow," **Journal of Finance**, 62 (2). 951-989.
- Frank, M.M., Lynch, L.J. and Rego, S.O. (2009), "Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting", **The Accounting Review**, 84(2). 467-496.
- Gul, F.A., Kim, J.B. and Qiu, A.A. (2010), "Ownership concentration, foreign shareholding, audit quality, and stock price synchronicity: evidence from China", **Journal of Financial Economics**, 95(3). 425-442.
- Gupta, S., Laux, R. and Lynch, D. (2016), "Do firms use tax reserves to meet analysts' forecasts? evidence from the pre- and post-FIN 48 periods", **Contemporary Accounting Research**, 33(3). 1044-1074.
- Hanlon, M. and Heitzman, S. (2010), "A review of tax research", **Journal of Accounting and Economics**, 50(2). 127-178.
- Hanlon, M. and Slemrod, J. (2009), "What does tax aggressiveness signal? Evidence from stock price reactions to news about tax shelter involvement", **Journal of Public Economics**, 93(1). 126-141.
- Hao, W., Prevost, A. and Wongchoti, U. (2018), "Are low equity R2 firms more or less transparent? Evidence from the corporate bond market", **Financial Management**, 47(4). 865-909.
- Hasan, I., Song, L. and Wachtel, P. (2014), "Institutional development and stock price synchronicity: evidence from China", **Journal of Comparative Economics**, 41(1). 92-108.
- Hua Feng, Ahsan Habib, Gao liang Tian, (2019) "Aggressive tax planning and stock price synchronicity: evidence from China", **International Journal of Managerial Finance**, <https://doi.org/10.1108/IJMF-07-2018-0194>.
- Johnston, J. A. (2009); —Accruals Quality and Price Synchronicity, working paper, **Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College**, 50(3), 25-45.
- Kanagaretnam, K., Lee, J., Lim, C.Y. and Lobo, G.J. (2016), "Relation between auditor quality and tax aggressiveness: implications of cross-country institutional differences", **Auditing: A Journal of Practice and Theory**, 35(4). 105-135.

- Khandaker, S. and Heaney, R. (2008), "Do emerging markets have higher stock synchronicity The international evidence", **Journal of Business and Policy Research**,8(1). 78-97.
- Kim, J.B. and Li, T. (2014), "Multinationals' offshore operations, tax avoidance, and firm-specific information flows: international evidence", **Journal of International Financial Management & Accounting**, 25(1). 38-89.
- Kim, J.-B. and Shi, H. (2012), "IFRS reporting, firm-specific information flows, and institutional environment: international evidence", **Review of Accounting Studies**,17(3).474-517.
- Kim, J.-B., Li, Y. and Zhang, L. (2011), "Corporate tax avoidance and stock price crash risk: firm-level analysis", **Journal of Financial Economics**,100(3). 639-662.
- Kim, J.B., Shi, H., (2009). "International financial reporting standards, analyst following, institutional infrastructure, and stock price synchronicity". City University of Hong Kong and Fudan University, **Unpublished working paper**.
- Kommunuri, J. (2013). Audit Firm Industry Specialization, Discretionary accruals and Stock Price Synchronicity. Doctoral dissertation, New Zealand, Auckland University of Technology.
- Kubata, A., Lietz, G.M. and Watrin, C. (2013), "Does corporate tax avoidance impair earnings informativeness?", working paper, University of Muenster, Münster, North Rhine-Westphalia, available at: <https://ssrn.com/abstract=2363873>.
- Li, K., Morck, R., Yang, F. and Yeung, B. (2004), "Firm-specific variation and openness in emerging markets", **Review of Economics and Statistics**,86(3). 658-669.
- Li, K., Morck, R., Yang, F. and Yeung, B. (2004), "Firm-specific variation and openness in emerging markets", **Review of Economics and Statistics**,86(3). 658-669.
- Lin, Karen Jingrong, Khondkar E. Karim, and Clairmont Carter, (2018), "Why Does China's Stock Market Have Highly Synchronous Stock Price Movements?" An Information Supply Perspective", **Advances in Accounting**,31(1). 68-79.
- Mills, L., Erickson, M. and Maydew, E. (1998), "Investments in tax planning", **Journal of American Taxation Association**,20(1). 1-20.
- Minnick, K., Noga, T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management? **Journal of Corporate Finance**, 16(2).703-718.
- Morck, R., Yeung, B. and Yu, W. (2000), "The information content of stock markets: why do emerging markets have synchronous stock price movements?", **Journal of Financial Economics**, 58(1), 215-260.
- Morck, R., Yeung, B., Yu, W., (2000). "The information content of stock markets: why do emerging markets have synchronous stock price movements?". **Journal of Financial Economics** 58(5). 215-260.
- Nguyen, N.H. and Truong, C. (2013), "The information content of stock markets around the world: a cultural explanation", **Journal of International Financial Markets, Institutions and Money**,26(4), pp. 1-29.
- Ntow-Gyamfi, M., Bokpin, G. A., & Gemgah, A. (2015). Corporate governance and transparency: evidence from stock return synchronicity. **Journal of Financial Economic Policy**, 7(3). 157-179 .
- Payne, D.M. and Raiborn, C.A. (2018), "Aggressive tax avoidance: a conundrum for stakeholders, governments, and morality", **Journal of Business Ethics**,147(3). 1-19.
- Phillips, J.D. (2003), "Corporate tax-planning effectiveness: the role of compensation-based incentives," **The Accounting Review**, 78(3). 847-874.

- Richardson, G., Taylor, G. and Lanis, R. (2013), "The impact of board of director oversight characteristics on corporate tax aggressiveness: an empirical analysis", **Journal of Accounting and Public Policy**, 32(3). 68-88.
- Roll, R. (1988), "R2", **Journal of Finance**, 25(1). 545-566.
- Tian, E. (2014). Voluntary disclosures and the stock price synchronicity evidence from New Zealand. Doctoral dissertation. New Zealand, Auckland University of Technology.

